

Moral Evaluation of Jahangiri Mahdi (AS) from the Perspective of the Ethics of War in Islamic Moral Systems

Dr. Amir Ghanavi ¹

Abbas Ghanavi ²

Abstract

The ethics of war is one of the valuable domains within applied ethics. In religious literature, peace and tranquility are consistently praised; however, in situations where war becomes unavoidable, adherence to the ethical principles of religious teachings remains imperative.

Mahdism is one of the core beliefs in Shia Islam, yet the narrations regarding it require serious refinement due to the leniencies in their transmission and acceptance. The manner in which Imam Mahdi (a.s.) initiates his movement, establishes dominion over the earth, and spreads justice and equity is among the most significant aspects of Mahdist teachings. However, the reliance of these narratives on weak or fabricated sources calls for heightened scrutiny.

These narrations often describe scenarios of Imam Mahdi's (a.s.) global mission that, in many cases, not only lack rational and ethical defensibility but also conflict with general religious principles and beliefs. This study aims to evaluate such teachings and ascertain their authenticity.

In evaluating these narratives, the article first seeks to identify the points of conflict between these teachings and rationality or religious beliefs. It then addresses these inconsistencies by referring to primary sources and critically examining the evidence.

Keywords: Ethics of war; Moral evaluation of Jahangiri; Islamic moral system; Emergence; Fundamental values

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Member of the faculty of the Institute of Islamic Culture and Thought(Responsible Author)

2. PhD student and Radio and Television employee

ارزیابی اخلاقی جهانگیری مهدی علیه السلام از منظر اخلاقیات جنگ در نظامات اخلاق اسلامی*

امیر غنوی^۱

عباس غنوی^۲

چکیده

اخلاق جنگ یکی از عرصه‌های با ارزش در حوزه اخلاقیات کاربردی است. در ادبیات دینی همواره صلح و آرامش ستوده شده ولی آن‌جا که از جنگ‌گریزی نباشد باید باز به نظامات اخلاق دینی ملتزم بود و ارزش‌های خاصی را در بحبوحه جنگ رعایت کرد. مهدویت از باورهای اصیل شیعی است و روایات آن به جهت مسامحه‌هایی که در نقل و پذیرش روایت مهدوی صورت گرفته محتاج پالایش جدی است. چگونگی آغاز حرکت امام مهدی علیه السلام و روند سیطره او بر زمین و بسط عدل و داد از مهم‌ترین بخش‌های معارف مهدوی است که به جهت تکیه منابع روایی بر مصادر مجعول و ضعیف نیازمند توجهی مضاعف است. این دسته از روایات از فضایی در جهانگیری امام خبر می‌دهد که در بسیاری از موارد نه فقط قابلیت دفاع عقلانی و اخلاقی ندارد بلکه با باورها و مبانی عام دینی نیز سازگار نیست. این نوشته بر آن است تا به ارزیابی این آموزه‌ها پرداخته و صحت و سقم آن را معلوم کند. این مقاله در ارزیابی این آموزه‌ها ابتدا تلاش کرده تا مواضع تنافی این آموزه‌ها با عقلانیت و با باورهای دینی را مشخص کرده و سپس با رجوع به منابع و ارزیابی مستندات، تکلیف این ناسازگاری‌ها را معلوم نماید. آورده این تحقیق کوتاه را می‌توان در نشان دادن ارزشمندی و اخلاقی بودن جهاد امام و یارانش ایجاد عدالت جهانی است. همچنین عقلانیت در دعوت مهدوی و ابتناء آن بر مبانی عام باورهای دینی همگی از دیگر آورده‌های این تحقیق بوده است؛ دعوتی که تکیه آن بر روشنگری و رعایت حق انتخاب انسان‌ها در کنار تلاش برای برپا خواستن مردم و تحقق بخشیدن به عدل و داد است.

واژگان کلیدی

اخلاق جنگ؛ ارزیابی اخلاقی جهانگیری؛ نظام اخلاقی اسلام؛ ظهور؛ ارزش‌های بنیادین.

مقدمه

باور به منجی الهی و غلبه نهایی حق بر باطل از آموزه‌های اصیل دینی و برگرفته از متن

* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۵

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۳

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (نویسنده مسئول) (Amir.Ghanavi@gmail.com).

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه مفید (Ghanavi@gmail.com).

قرآن و تأکیدات بسیار معصومین علیهم السلام است. پیروزی جهانی عدالت بر ظلم و قسط بر جور وعده‌ای است که روایات متواتر بر آن تأکید کرده‌اند. تحقق این وعده در گروهی قیام حجت خدا و مبارزات او است. او در شرایطی قیام خواهد کرد که جهان سراسر گرفتار ظلم و جور است و او برای محقق کردن عدالت ناگزیر از مبارزه ظالمان خواهد بود. رخت برپستن ظلم و جور از جهان جز با مجاهدت‌ها و جنگ با حکومت‌های جور مقدور نخواهد شد. اما این فرایند از نگاه ارزش‌های بنیادین اخلاق با پرسش‌های متعددی مواجه است؛ چراکه اقدام به جنگ با حکومت‌های قانونی و برآمده از خواست مردم و اقدام به عملیات نظامی بر علیه مردمانی که مایل به حفظ حکومت‌های خود هستند رفتاری ناپسند و خلاف آزادی انسان‌ها در انتخاب راه زندگی است. استقرار عدالت در سراسر جهان هدفی زیبا است اما اگر برای رسیدن به این هدف ناگزیر از تجاوز به مرزهای دیگران و برپا کردن جنگ و تحمیل حکومت الهی و عادلانه باشد آیا برای رسیدن به آن هدف متعالی، می‌توان از زشتی این رفتارها چشم پوشید. فراتر از این، آیا تحمیل قسط و عدلی که ما به آن باور داریم به دیگری مطلوب است. روشنگری‌های انبیاء با این هدف بود که مردم با رسیدن به آگاهی‌های لازم، خود برای برقراری قسط برپا خواسته و برای تحقق آن اقدام کنند (لیقوم الناس بالقسط). قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از این قاعده مستثنی نیست؛ زیرا هدف خلقت و اساس دعوت دینی بر آگاهی بخشی و فراهم کردن شرایط انتخاب انسان‌ها است و ارزش‌هایی چون عدالت و قسط هنگامی ارزشمند خواهد بود که حاصل انتخاب آزاد انسان باشد.

این مقاله تلاش می‌کند تا نگاه رایج به جنگ‌ها و مبارزات امام مهدی علیه السلام را از منظر ارزش‌های بنیادین اخلاقی را نقد کرده و نگاهی دوباره به آموزه‌های مهدوی داشته باشد. به این جهت، لازم است تا افزون بر ارزیابی دقیق‌تر ذهنیت رایج درباره چگونگی قیام امام مهدی علیه السلام، از نگاه و تحلیل متفاوتی گفتگو کند که استناد قوی‌تری داشته و از منظر نظامات ارزشی و اخلاقی کاملاً قابل دفاع است. این نوشته به تأیید یا رد مبانی این نظامات ارزشی نگاهی نداشته و صرفاً به نسبت‌سنجی میان اندیشه‌های رایج و ارزش‌های عام اخلاقی با باورهای ما در خصوص جهانگیری مهدوی پرداخته است.

این تحقیق محتاج برداشتن سه گام است؛ نخست، ارائه گزارشی از نگاه مرسوم به چگونگی حرکت امام و گام‌هایی که به جهانگیری و برقراری حکومت جهانی خواهد انجامید. گام دوم به ارزیابی این فرایند از منظر باورهای کلامی و عقلانیت اخلاقی اختصاص یافته و در نهایت به تأملی دوباره در روایات مهدویت و بازنگری و بازسازی تصویری خواهد انجامید که روایات از

زمینه‌های قیام امام و چگونگی حرکت قیام تا جهانگیری و تشکیل حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام به ما ارائه می‌دهد.

باورهای عام درباره جهانگیری امام مهدی علیه السلام

قیام منجی در آخرالزمان از اعتقادات عامه ادیان و مذاهب است و در میان مسلمانان، باور به ظهور یکی از نوادگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مورد پذیرش اندیشمندان بوده و هست. روایات بسیاری در منابع شیعه و اهل سنت در تبیین وقایع مرتبط با قیام منجی وارد شده است که علیرغم اختلافات زیاد، مضامین مشترکی را در میان آنها می‌توان یافت. این روایات از وقوع جنگ و خونریزی و بلایای طبیعی زیادی پیش از ظهور مهدی علیه السلام خبر داده‌اند. امام مهدی علیه السلام در چنین شرایطی در شهر مکه و در کنار خانه کعبه ظهور کرده و مردم را به بیعت با خود دعوت می‌کند و با حضور تعداد کم شماری از پیروانش در مکه، حکومت و دولت خود را تشکیل می‌دهد. امام در گام نخست به سمت عراق رفته و شهر کوفه را فتح کرده و آن را مرکز حکومت خود می‌کند.

با اعلان دعوت او، برخی در ایران و در یمن به یاری او برمی‌خیزند. اما موانع متعددی بر سر راه امام قرار دارد و او ناگزیر از جنگ‌های متعدد و فتح شهرهای مختلف است. روایات، بزرگ‌ترین دشمنان او را سفیانی و دجال دانسته که با وجود جنگ‌های متعدد و مقاومت در برابر آن حضرت، توفیقی نیافته و در نهایت به دست سربازان آن حضرت نابود می‌شوند. او برای برچیدن بساط ظلم و جور و تشکیل حکومت واحد جهانی و برقراری قسط و عدل ناگزیر از اقدامات زیر است:

۱. **حذف حکومت‌های ظالم؛** او آمده است تا زمین مملو از ظلم و جور را دچار تحولی اساسی کرده و آن را سرشار از عدل و قسط کند. لازمه برقراری عدالت در جهان، حذف دولتهایی است که منافع خود را در تعارض با سیطره عدالت می‌دانند. این دولت‌ها از ابزارهای متنوعی برای جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های متفاوت برخوردار بوده و راهی برای عرضه اندیشه‌های اسلامی و انتخاب آگاهانه و آزادانه مردم باقی نمی‌گذارند. از این رو، حکومت مهدوی ناگزیر از درگیری و شکستن این حکومت‌ها و حامیان آنهاست. نتیجه طبیعی این درگیری، شکل‌گیری جنگ‌های کوچک و بزرگی است که با پیروزی امام مهدی علیه السلام در این جنگ‌ها، حکومت جهانی عدل و قسط برپا خواهد شد. روایات زیادی به این حقیقت اشاره دارند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) سیره او را متفاوت از سیره پیامبر ﷺ و علی ﷺ است و حرکت او را با اتکا به شمشیر

پیش می‌رود:

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ: قُلْتُ لَهُ صَالِحٌ مِنَ الصَّالِحِينَ سَمَّيْتَهُ لِي أُرِيدُ الْقَائِمَ ﷺ فَقَالَ اسْمُهُ اسْمِي قُلْتُ أَتَسِيرُ بِسِيرَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يَا زُرَّارَةُ مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَمْ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِالْمَنْ كَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ بِذَاكَ أَمْرٍ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَتِيبَ أَحَدًا وَثَلَّ لِمَنْ نَاوَاهُ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۱؛ به جهت حضور محمد بن علی ابوسمینه و محمد بن حسان رازی در سند روایت قابل توثیق نیست).

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ جَالِسًا فَسَأَلَهُ الْمُتَعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ أَسِيرُ الْقَائِمِ بِخِلَافِ سِيرَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ نَعَمْ وَذَلِكَ أَنَّ عَلِيًّا سَارَ فِيهِمْ بِالْمَنْ وَالكَفِّ لَأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِيعَتَهُ سَيُظْهِرُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنَّ الْقَائِمَ ﷺ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالْبَسْطِ وَالسَّبِيِّ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَنْ يُظْهِرَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا (ابن بابویه ۱۳۸۵ق: ۲۱۰؛ نعمانی ۱۳۹۷ق: ۲۳۳).

تعبیر «یسیر بالقتل و لا یستتیب احداً» و «سار فیهم بالبسط و السبی» از مشی متفاوت امام مهدی ﷺ در برابر اقوام خبر داده و خشونت و خونریزی را بخشی از سیره ایشان می‌داند. تکلیف او کنار زدن کسانی که مانع از برقراری قسط هستند و در این برخورد، نگران تسلط بعدی همین افراد بر شیعیان نیست. البته راوی این روایت یعنی حسن بن هارون توثیقی ندارد.

ب) روایاتی که به جنگ‌های طولانی امام اشاره کرده و از زمان نسبتاً طولانی می‌گویند که امام شمشیر خود را در نیام نخواهد کرد.

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ يَقُولُ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى... وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ ﷺ فَالْقِيَامُ بِسِيرَتِهِ وَتَبْيِينُ آثَارِهِ ثُمَّ يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ (ابن بابویه، ۱۳۵۹ق: ج ۱، ۳۲۹).

قرار دادن شمشیر بر دوش به معنای آمادگی دائم برای نبرد است. بر طبق این روایت، امام به مدت نه ماه دائماً آماده نبرد خواهد بود و دائماً در حال کشتن دشمنان خداست و این کار را تا هنگامی که خدا راضی شود ادامه خواهد داد. این قبیل روایات نیز از جنگ و کشتارهای وسیع در جنگ‌های امام مهدی ﷺ خبر می‌دهد.

ج) در برخی روایات به شهرها و گروه‌های متعددی اشاره شده که امام با جنگ آنها را خواهد گشود.

عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ مَدِينَةً وَطَائِفَةٌ يُحَارِبُ الْقَائِمُ أَهْلَهَا وَ يُحَارِبُونَهُ أَهْلُ مَكَّةَ وَأَهْلُ الْمَدِينَةِ وَأَهْلُ الشَّامِ وَبَنُو أُمَيَّةَ وَأَهْلُ الْبَصْرَةِ وَأَهْلُ دُسْتُمِيسَانَ وَالْأَكْرَادُ وَالْأَعْرَابُ وَصَبَّةٌ وَغَنِيٌّ وَبَاهِلَةٌ وَأَزْدٌ وَأَهْلُ التَّرِي (ابن بابویه ۱۳۵۹ ش: ج ۱، ۳۲۹: سند معتبر نیست).

برخی از این مناطق بسیار بزرگ و دارای ساکنان بسیار هستند مانند: شام و بصره و برخی از گروه‌های فوق پرجمعیت هستند مانند: اعراب، کردها، قبیله غنی و اهل ری. این فهرست نشان می‌دهد که جنگ‌های وسیع و کشتارهای بزرگی در راه شکل‌گیری حکومت جهانی مهدوی رخ خواهد داد.

۲. حذف مذاهب و ادیان مختلف و حاکم کردن دین اسلام در همه سرزمین‌ها؛ آخرالزمان روز پیروزی مذهب حق بر مذاهب دیگر است. این وعده قرآنی است که تنها صحنه تحقق آن در چنین روزی است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳؛ صف: ۹).

روایات وارده این روز را همان روز قیام قائم دانسته‌اند (قمی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ۲۸۹)؛ روزی که همگان به دین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اقرار خواهند کرد (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ۸۷) و دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۴۳۲). امام هنگامی که همراهان کافی داشته باشد خروج کرده و هیچ معبودی اعم از بت و مانند آن در زمین باقی نمی‌ماند جز آن که آتش در آن افتاده و خواهد سوخت:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عليه السلام يَقُولُ الْقَائِمُ مِمَّا مَنُصُورٍ بِالرُّعْبِ... فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَتِسْنٍ وَغَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاخْتَرَقَ (ابن بابویه، ۱۳۵۹ ش: ج ۱، ۳۳۱).

در چنین روزگاری همه هستی برای پاکسازی زمین با مؤمنان همکاری خواهد کرد حتی صخره‌های کوه:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام... وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عليه السلام فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنٌ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَسَرَنِي وَاقْتُلْتُهُ (همان).

جهانگیری از منظر نظامات اخلاقی

باور به گزاره‌های قرآنی و روایی ریشه در اعتقاد به توحید و نبوت داشته و نیازی به اعتبارسنجی با منابعی مانند ارزش‌های عام اخلاقی ندارد. اما ناسازگاری برخی روایات با سنت‌های شناخته شده پیامبر ﷺ و با تحلیل‌های عقلانی ما را به این تأمل وامی‌دارد که آیا این باورهای خاص، با اصول و قواعد عام دینی سازگار است و آیا دلیل کافی برای نفی تحلیل‌های عقلانی و پافشاری بر مفاد این روایات در دست داریم.

قسمت نخست: تنافی با ارزش‌های بنیادین اخلاقی

قیام مهدوی دارای هدفی مقدس و زیبا است؛ اما برای رسیدن به این هدف بزرگ از روشی استفاده می‌کند که از جهت اخلاقی جای تأمل دارد؛ چراکه این قیام در گام نخست با حرکتی خشن برخی شهرها مانند مکه، کوفه و مدینه را تسخیر کرده و سپس به تسخیر سایر سرزمین‌ها و ضمیمه کردن آن به سرزمین خویش اقدام می‌کند. این حرکت با چند ارزش اساسی اخلاقی در تنافی است:

۱. **زشتی اعمال زور و تحمیل نظر خویش بر دیگران**: انسان به گونه‌ای آفریده شده که تا براساس باورهایش نسبت به آینده خویش حرکت کند. این مسخ انسانیت است که او را به سوی هدفی بکشانیم که به آن باور ندارد. انگیزه‌های مثبت و نیت‌های خوب نمی‌تواند مجوزی برای تحمیل شرایط و اقدام به خشونت علیه فرد یا کشور دیگر تلقی شود. این دیدگاه چندان در میان اندیشمندان مقبولیت دارد که بدل به قاعده‌ای آمره یا هنجاری بنیادین در حقوق بین‌الملل شده و جامعه بین‌الملل آن را به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر تلقی می‌کند (کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ این کنوانسیون دربرگیرنده بسیاری از قواعد مهم در عرصه بین‌الملل است). این قاعده اگرچه از سوی دولت‌های قدرتمند زیر پا گذاشته می‌شود اما در فضای علمی و در تحلیل‌های عقلایی، نقض این قاعده قابل دفاع نیست؛ از این رو، تصویر ارائه شده از حرکت امام مهدی علیه السلام از منظر اخلاقی و عقلایی قابل توجیه نیست.

۲. **احتراز از فضای دشمنی و عداوت میان مردم**: خشونت به ایجاد دشمنی می‌انجامد و دشمنی باعث سلب آرامش روانی و امنیت جسمانی انسان‌ها خواهد شد. جامعه بین‌الملل با توجه به تجاربی که در دو جنگ جهانی و سایر جنگ‌های قرون اخیر به دست آورد به این نتیجه رسید که برای جلوگیری از جنگ و خونریزی باید دست از منازعات تاریخی، مذهبی و

ملی برداشته شود و دشمنی‌ها را کنار گذاشته و به هیچ بهانه‌ای زمینه‌ای برای پیدایش درگیری و عداوت فراهم نکند (مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر). پذیرش استقلال انسان‌ها و حق تصمیم‌گیری مردمان هر کشور برای سرنوشت خویش یکی از مهم‌ترین قواعد بنیادین اخلاقی است که پذیرش آن از سوی عموم کشورها سبب شده است که دست‌اندازی دولت‌ها به حریم یکدیگر کمتر شده، تجاوز و ظلم کاهش یابد. جهانگیری حضرت مهدی علیه السلام ناقض این قاعده اخلاقی است و اندیشمندان حوزه اخلاق چنین رفتاری را قابل دفاع نمی‌داند و آن را سرآغازی بر ظلم و تعدی بیشتر قدرتمندان و عامل توسعه جنگ و خونریزی تلقی می‌کند.

۳. حق انسان و جامعه در تعیین سرنوشت خویش؛ همان‌گونه که هر انسان حق انتخاب هدف و مسیر خود را دارد یک ملت نیز حق دارد تا برای حاکمیت خویش تصمیم کرده و قانون و حکومتی را برگزیند که به مصلحت خویش می‌انگارد. حق تعیین سرنوشت در حقیقت ادامه‌ای است بر حق انتخاب انسان و لزوم رعایت آزادی او. این اصل اخلاقی با پذیرش عمومی مواجه شده و در قواعد بین‌الملل به مثابه قاعده آمره پذیرفته شده و هنجاری بنیادین تلقی می‌شود (کنوانسیون حقوق معاهدات وین، ۱۹۶۹). این کنوانسیون دربرگیرنده بسیاری از قواعد مهم در عرصه بین‌الملل است) و هر اقدامی برخلاف آن از جهت حقوقی نامشروع تلقی شده و ارزش حقوقی ندارد. رفتارهایی که به امام مهدی علیه السلام در روایات نسبت داده شده؛ مانند تصرف یک کشور و تعیین حاکم برای آن و تحمیل قوانین اسلامی بر مردمان آن، رفتاری است که از منظر هیچ یک از نظامات اخلاقی رفتاری ناپسند تلقی شده و قابل دفاع نیست. پذیرش حمله به یک کشور مستقل و جنگ و خونریزی حتی اگر با قصد اقامه عدل و قسط باشد منجر به ناامنی در دنیا خواهد شد؛ فراموش نکنیم متجاوزان بزرگ تاریخ و جنگ‌های جهانگیر معمولاً با ادعاهای زیبا و شعارهای عدالت‌طلبانه آغاز شده‌اند و اگر چنین رفتارهایی را بپذیریم باید متنظر پیامدهای آن در روابط میان دولت‌های قدرتمند و دولت‌هایی باشیم که از توانایی نظامی، اقتصادی و سیاسی کمتری برخوردارند.

قسمت دوم: تنافی با اصول و قواعد عام

ناسازگاری تصورات عامه در خصوص جهانگیری امام مهدی علیه السلام به مسلمات اخلاقی محدود نشده و با برخی اصول و قواعد عام آموزه‌های دینی نیز همساز نیست. مهم‌ترین مشکل این تصورات ناسازگاری با نگاهی است که آموزه‌های دینی در خصوص آزادی انسان و جایگاه آن در رشد فرد و جامعه دارد.

۱. **نقض اصل آزادی انتخاب؛ آزادی در انتخاب ریشه در خلقت او دارد و مهم‌ترین تفاوت انسان با حیوانات در امکان انتخاب است.** اساساً بخش بزرگی از خوبی‌ها و بدی‌ها با امکان انتخاب از سوی انسان معنا می‌یابد. همین است که خدا آدم علیه السلام را در بهشت مجبور به انتخاب نکرد و به او امکان سرکشی و تجربه نتایج آن را داد. جهانگیری امام مهدی علیه السلام اگر به حذف و تضعیف این امکان بینجامد با سنت الهی در خلقت همساز نیست. انتخاب دین اسلام و پذیرش قوانین دینی و تن دادن به حکومت دین هنگامی ارزش می‌یابد که انسان‌ها امکان انتخاب گزینه‌های دیگر را داشته ولی اسلام و قوانین آن را بخواهند و در پی حاکم کردن اولیاء دین برآیند.

۲. **ناکامی در وصول به اهداف اصلی دین؛** اگر هدف دین، صرفاً تحقق قسط و عدل در جامعه بود نیازی به فرستادن پیامبران و فرو فرستادن کتاب‌ها نبود و این هدف خلقت بدون آزادی انسان بهتر تحقق می‌یافت. اما قرآن به ما می‌آموزد که هدف از ارسال پیامبران و ارائه هدایت‌ها، آن است که مردم خود برای برپایی قسط به پا خیزند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۱۳) بینات آنان را از تاریکی بیرون می‌آورد و کتاب و میزان، ابزار حرکت را در اختیار می‌گذارد و اکنون این مردم هستند که می‌توانند به نشستن و یا حتی خزیدن ادامه دهند و یا این‌که با شناخت عظمت خویش و وسعت هستی به کمتر از قسط رضایت نداده و برای آن برپا خیزند. تصورات عامه از جهانگیری امام به مسئله اصلی یعنی لزوم برپا خواستن خود مردم توجهی ندارد و هدف اصلی دین را فراموش کرده است.

۳. **وجود الگوی مناسب‌تر برای رسیدن به عدالت و قسط پایدار؛** شیوه برقراری عدالت و قسط در این تصورات مبتنی بر الگوی مناسبی نیست؛ زیرا مردم اگر خود به ضرورت قسط و عدالت نرسیده و برای آن نکوشیده باشند قدر آن را ندانسته و در رفت و آمد قدرت‌ها و در تلاطم امیال و هوس‌ها پای آن نمی‌مانند و آن را به راحتی از دست خواهند داد. برقراری عدالت با جهانگیری به کار سرعت خواهد بخشید ولی اگر به جای آن ابتدا از ارائه الگوی مناسب برای زیست فردی و اجتماعی آغاز کرده و در ادامه به ایجاد فضای عقلانی برای انتخاب بهتر و ترویج گفتگوی میان مذاهب و ادیان بکوشیم آیا به قسط و عدالت پایدارتری دست نخواهیم یافت.

۴. **ناسازگاری با پایه‌های اصلی دعوت دینی و سیره تمامی پیامبران؛** در بخش نخست به روایاتی اشاره شد که سیره امام مهدی علیه السلام را با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام شمرده بود. اما اگر

حرکت او را نوعی جهان‌گشایی بینگاریم اساساً این حرکت با سیره همه پیامبران و اولیاء خدا متفاوت خواهد بود؛ زیرا آنان همگی پایبند مراحل در حرکت خویش بودند که با ارائه بینات و فراهم آوردن امکان انتخاب آغاز می‌گردید. در ادامه، اگر گروهی از آنان با دعوت همراهی نمی‌کردند پیامبران از ایشان کناره گرفته و بسیاری از آن امت‌ها گرفتار عذاب خدا می‌شدند و اگر گروهی همراه می‌شدند درگیری میان مؤمنان و کافران آغاز شده و مؤمنان تحت حمایت پروردگار قرار می‌گرفتند. اما در تصویر ارائه شده از قیام امام مهدی علیه السلام، فرصت زیادی برای ارائه بینات و دعوت در نظر گرفته نشده و هر قومی پس از دعوت راهی جز پذیرش اسلام و یا تن دادن به جنگ، تسلیم و شکست ندارند.

به نظر می‌رسد مروری دوباره بر روایات و آیات مرتبط با بحث مهدویت و بررسی عمیق‌تر این آموزه‌ها بتواند سبب پیدایش نگاهی متفاوت به این آموزه شده و ما را به پاسخی مناسب برای تمامی سؤالات و شبهات پیشین برساند.

نگاهی دوباره به آموزه‌های اصیل مهدوی

برای ارزیابی اشکالاتی که در بخش دوم به آن اشاره شد ناگزیر از نگاهی دوباره به آموزه‌های مهدویت هستیم؛ آموزه‌هایی که گاه نیاز به ارزیابی و اصلاح دارند. کم نیستند تصوراتی که پایه‌ای محکمی در روایات مهدوی ندارند و یا به درستی تحلیل نشده‌اند. در این قسمت باید به بررسی چگونگی شکل‌گیری قیام امام مهدی علیه السلام در پرتوی روایات داشته و فضای تحقق وعده الهی را به خوبی درک کنیم تا قادر به ارزیابی تصورات عامه و اشکالات حقوقی وارد بر آن باشیم.

قسمت نخست: لزوم طی دوره‌های پیش از ظهور

اگرچه قیام امام موعول به مشیت الهی است؛ اما این مشیت منوط به تحقق اموری در جامعه است و با تحقق این امور، ظهور رخ داده و از ناحیه پروردگار کوتاهی نخواهد بود:

عن الصادق علیه السلام: ... إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتَعْجَالِهِمْ هَذَا الْأَمْرَ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ، إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ غَايَةٌ يَنْتَهِي إِلَيْهَا، فَلَوْ قَدْ بَلَّغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَلَمْ يَسْتَأْخِرُوا (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۳۶۲).

امام باقر علیه السلام در روایتی (همان) در مقام پاسخ به سؤال حمران از زمانه ظهور با نقل داستانی بر لزوم عبور جامعه از دوره‌های منفعت‌جویی شخصی و تردید و شک و رسیدن به دوره میزان و وفا اشاره کرده است؛ دوره‌ای که انسان‌ها با ترازویی دقیق به سنجش دعوت‌ها پرداخته و

پس از انتخاب، آماده‌اند تا هزینه انتخاب خود را پرداخته و به آن وفا کنند. برخی روایات نیز به شرایطی توجه داده‌اند که ظهور، موکول به تحقق آنهاست؛ شرایطی مانند:

۱. درک ناتوانی مدعیان دیگر

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُلُّوا عَلَى النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ إِنَّا لَوُؤْلَيْنَا لَعَدَلْنَا ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۷۴).

این معنا را از روایاتی نیز می‌توان دریافت که به گسترش فساد پیش از ظهور امام اشاره دارد (ابن بابویه، ۱۳۵۹ش: ج ۱، ۳۳۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۸)؛ زیرا این گستردگی فساد نشان‌دهنده ناتوانی بشر در راهیابی و اصلاح اساسی در جامعه بوده و بر لزوم بازگشت به حکومت الهی دلالت دارد.

۲. لزوم غربال یاران و مشخص شدن یاوران

تمحیص و جدا کردن خوبان از دیگران یکی از مقدماتی است که باید از قبل از قیام و حکومت امام مهدی عليه السلام باید طی گردد تا یاران پخته و کار آزموده‌ای مشخص شوند که توان یاری امام در قیام و در حکومت را دارند. روایات بسیاری ضرورت چنین غربال و تمحیصی را گوشزد کرده‌اند:

عن الباقر عليه السلام: وَاللَّهِ لَتَمَيِّزَنَّ، وَاللَّهِ لَتَمَخِّصَنَّ، وَاللَّهِ لَتَغْرِبَنَّ كَمَا يَغْرِبُ الزَّوَانُ مِنَ الْقَمَحِ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۵).

عنه عليه السلام: هِيَهَاتَ هِيَهَاتَ، لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تَغْرِبُوا ثُمَّ تَغْرِبُوا ثُمَّ تَغْرِبُوا، يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ اللَّهُ تَعَالَى الْكَدْرَ وَبِئِذَا الصَّفْوُ (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۳۹).

جدا شدن خوبان از دیگران، رسیدن به خلوص با ابتلائات و سختی‌ها و باقی ماندن بزرگان و استوانه‌های حرکت بر روی غربال لازمه آغاز قیام و حرکت بزرگ امام مهدی عليه السلام است.

۳. انتظار ظهور

این نکته به صراحت در داستانی آمده که امام باقر عليه السلام در پاسخ به سؤال حمران از هنگام ظهور مهدی عليه السلام نقل کرده‌اند و پیشتر به آن اشاره کردیم. این نکته را در روایات انتظار فرج نیز می‌توان یافت. انتظار فرج یعنی رسیدن انسان به سطحی که حکومت‌های دیگر را برنتابد، برای حکومت معصومین بکوشد و دغدغه اهل بیت و مظلومیت ایشان را داشته باشد. رسیدن به چنین بلوغی خود از بزرگ‌ترین پیروزی‌ها و گشایش‌هاست:

عن علی بن الحسین علیه السلام: انْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَجِ (ابن بابویه، ۱۳۵۹ ش: ۳۲۰).

۴. باور عموم به حقانیت و درستی راه اهل بیت علیهم السلام

تبیین حقانیت امام مهدی علیه السلام به شیوه‌ای صورت خواهد گرفت که جایی برای تردید و شبهه باقی نماند. این حقیقتی است که روایات زیادی بر آن تأکید کرده‌اند:

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ عِنْدَهُ فِي الْبَيْتِ أَنَسٌ فَظَنَنْتُ أَنَّهُ إِنَّمَا أَرَادَ بِذَلِكَ غَيْرِي فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَغَيِبَنَّ عَنْكُمْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ... لَتُرْفَعَنَّ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَايَةً مُسْتَهْجَةً لَا يُدْرَى أَيُّ مِنْ أَيِّ قَالَ فَبَكَيْتُ فَقَالَ مَا يُبْكِيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقُلْتُ جُعَلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ لَا أَبْكِي وَ أَنْتَ تَقُولُ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَايَةً مُسْتَهْجَةً لَا يُدْرَى أَيُّ مِنْ أَيِّ قَالَ وَ فِي مَجْلِسِهِ كَوَّةٌ تَدْخُلُ فِيهَا الشَّمْسُ فَقَالَ أَبَيَّنَّ هَذِهِ فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَمُرُّنَا أَبَيَّنَّ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۳۳۵ و ۳۳۸؛ با سندی دیگر از مفضل بن عمر).

مفضل به عمر هنگامی که از امام صادق علیه السلام درباره فضای پرشبهه پیش از ظهور می‌شنود، می‌گریزد و از ترس خود از چنین شرایطی می‌گوید. امام به او این نکته را می‌آموزد که امر اهل بیت علیهم السلام از نور خورشید نیز واضح‌تر است؛ چرا که در فضای پرشبهه این خدا و اولیای خدا هستند که باید ابهام و شبهه را برطرف کنند و آن‌جا که کار بر عهده آنها باشد به بهترین وجه انجام خواهد شد.

یکی از علائم ظهور نقش مهمی در وضوح حقانیت امام مهدی علیه السلام خواهد داشت صیحه آسمانی است؛ صدایی که در آسمان پیچیده و به گوش همگان خواهد رسید و از حقانیت امام مهدی علیه السلام و نام و نسب او خواهد گفت:

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الصَّقَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ الْقَائِمَ لَا يَقُومُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ تَسْمَعُ الْفَتَاةُ فِي خَدْرِهَا وَيَسْمَعُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ فِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (طوسی، ۱۴۲۵ ق: ۱۷۷؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ ق: ج ۵، ۱۹۵).

صیحه اتمام حجتی است که خدا با بندگان خواهد کرد و این اتمام حجت چنان خواهد بود که حتی دخترکان دور از فضای اجتماع نیز آن را خواهند شنید. آن‌جا که خدا بخواهد می‌تواند حقیقت را چنان آشکار کند که برای هیچ‌کس حرفی باقی نماند و حتی دخترکان پرده‌نشین نیز پیام او را بشنوند. همه کسانی که درگیر شده‌اند صاحب امر را شناخته و جای چندان برای نبرد و کشتار باقی نمی‌ماند:

عَنْ شُرَحْبِيلَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام وَ قَدْ سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَائِمِ علیه السلام فَقَالَ إِنَّهُ لَا يَكُونُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ حَتَّى تَسْمَعَهُ الْفَتَاةُ فِي

خَدْرَهَا (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۵۷).

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا إِنَّ فُلَانًا صَاحِبُ الْأَمْرِ فَعَلَامَ الْقِتَالِ (همان: ۲۶۶).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قُلْتُ: خَاصٌّ أَوْ عَامٌّ؟ قَالَ: عَامٌّ، كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ. قُلْتُ: فَتَنْ جُحَالُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ نُودِيَ بِاسْمِهِ؟ قَالَ: لَا يَدْعُهُمْ إِلَّا عِيسَى حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَيُشَكِّكَ النَّاسَ (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۳۰؛ ۱۳۵۹ش: ج ۲، ۶۵۰).

این وضوح و روشنی همچنین با حضور عیسی مسیح علیه السلام و حمایت و پیروی او از امام مهدی علیه السلام برای مسیحیان حاصل می شود.

عن الإمام الباقر عليه السلام قال: ينزل قبل يوم القيامة إلى الدنيا، فلا يبق أهل ملة يهودي ولا نصراني إلا آمن به قبل موته ويصلي خلف المهدي (قی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۵۸).

عیسی مسیح پیامبری است که به سوی بنی اسرائیل مبعوث شد و مسیحیان به او باور داشته و مدعی پیروی از او هستند. روایات از نزول او به دنیا و اعلام تبعیت از مهدی علیه السلام خبر داده و از اقدامات او برای از بین بردن انحرافات در دین مسیح گزارش کرده اند (مجلسی، بی تا: ج ۵۲، ۳۸۲). براساس برخی روایات، او سردار سپاه مهدی علیه السلام در فتح شهرهای روم و چین خواهد بود و بسیاری از این شهرها با گفتن تکبیر گشوده خواهد شد (سلیمان، ۱۴۲۷ق: ۲۴۵ و ۲۸۰؛ شوشتری، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۲۱۲؛ کاظمی، ۱۴۲۸ق: ۳۹۳). حضور فعال مسیح علیه السلام و اصلاحات او مانع از شکل گیری جنگ های بزرگ شده و عملاً یهودیان و مسیحیان بدون درگیری سنگین، مسلمان شده و به امام خواهند پیوست.

۵. آمادگی های جهانی برای دفاع از حق

روایات از فضایی مثبت نسبت به دعوت امام مهدی علیه السلام در آن ایام خبر می دهد. در خراسان (کورانی، ۱۴۳۰ق: ۱۵۷ و ۱۸۰) و در یمن: قوم رقیقه قلوبهم راسخ ایمانهم و منهم المنصور يخرج في سبعين الفاً ينصر خلفي و خلف وصيي (نعمانی، ۱۳۵۸ش: ۵۸؛ آیتی، ۱۳۸۵ش: ۱) سپاهیان عظیمی در حمایت از امام مهدی علیه السلام شکل می گیرد و این سپاهیان با دشمنان امام به نبرد می پردازند. این حمایت ها از آمادگی های ویژه در این مناطق حکایت داشته و ذهنیت عموم را نسبت به آینده قیام را مثبت کرده و آمادگی بیشتری برای همراهی دیگران با امام فراهم می آورد.

۶. حوادث تلخ، فشار ظالمان و مدعیان منحرف

پیش از آغاز ظهور، حوادث تلخی رخ خواهد داد؛ جنگ‌ها و خونریزی‌های بسیار، حوادث و بلایای طبیعی (مقدسی، ۱۴۲۸ق: ۳۴۵؛ ابن حماد، ۱۴۲۳ق: ۱۴؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۱۸، ۳۱۱؛ ابن طاوس، ۱۴۱۶ق: ۳۶۹) و همچنین ظهور ظالمان خطرناک (کورانی، ۱۴۳۰ق: ۵-۱۰۹؛ آیتی ۱۳۸۴). این حوادث تلخ نوعی استیصال و حس نیاز به منجی را تقویت کرده و زمینه‌ساز پذیرش دعوتی خواهد شد که به عدل و قسط دعوت کرده و از سراپای آن نور صداقت می‌بارد:

عن کیسان الرقاشي... سمعت علیاً یقول: لا یخرج المهدي حتی یقتل ثلث و یموت ثلث و یرقی ثلث (ابن طاوس، ۱۴۱۶ق: ۱۲۸).

قسمت دوم: جنگ‌های دفاعی

با وجود تأکید اندیشمندان اخلاق بر زشتی دشمنی و عداوت، دفاع از خود حق هر فردی دانسته شده و حتی به عنوان یکی از قواعد آمره پذیرفته شده است. مروری بر روایات وارده در مورد جنگ‌های امام مهدی علیه السلام نشان از آن دارد که بسیاری از این جنگ‌ها ماهیت دفاعی دارد. بخش بزرگی از نبردهای آن حضرت با فردی به نام سفیانی است که به محدوده حکومت امام مهدی علیه السلام حمله کرده و مقابله امام و یارانش در قالب دفاع از خود جای می‌گیرد. همچنین برخی از نبردهای دیگر با کسانی است که به جنایت علیه انسان‌ها زده‌اند (برای بحث از انواع جنایت علیه بشریت، ر.ک: گرهارد ورله، ۱۳۸۷ش: ۵۹-۱۰۰؛ همچنین رابرتسون، ۱۳۸۳ش: ۴۶۱) و مبارزه با چنین افرادی از جهت اخلاقی امری پسندیده است و از نگاه حقوق بین‌الملل منعی ندارد. بسیاری از کشورهای بزرگ به همین بهانه به تعرض به کشورهای دیگر اقدام می‌کنند و مجامع بین‌المللی نیز رفتاری همدلانه با آنان دارند.

قسمت سوم: عدم الزام به پذیرش اسلام

تغییر مذهب و پذیرش دین اسلام امری الزامی نیست. البته با وقوع صیحه آسمانی و سایر بینات مسلماً اتمام حجت صورت گرفته و عملاً اختلاف مذاهب تبدیل به اختلاف میان حق و باطل خواهد شد. به تعبیر دیگر، کسانی که حاضر به تغییر مذهب نیستند در حقیقت خود می‌دانند که در برابر حق ایستاده‌اند. اهل کتاب نیز در چنین شرایطی مصداق آیه جزیه خواهند بود:

﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ (توبه: ۲۹).

در این آیه از گروهی از اهل کتاب سخن گفته شده که با وجود اتمام حجت حاضر به پذیرش اسلام نیستند. اینان کسانی هستند که می‌دانند که محمد ﷺ پیامبر خداست و می‌دانند در روز قیامت پاسخی بر کار خود ندارند و می‌دانند که چیزهایی را روا می‌دارند که خدا و پیامبرش آنها را ناروا می‌دارند و حاضر نیستند به راه حق تن دهند. این آیه به همین جهت آنان را غیرمؤمن به خدا و روز واپسین و... شمرده است. در برخی روایات از همین وضعیت پس از حکومت امام مهدی ﷺ خبر داده شده است:

رَوَى أَبُو بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: قَالَ لِي: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ ﷺ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ... قُلْتُ: فَمَا يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الدِّمَةِ عِنْدَهُ. قَالَ: يُسَالِّطُهُمْ كَمَا سَالَّطَهُمُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ يُؤَدُّونَ الْحِزْبِيَّةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۱۳۵)

این سخن مطابق با اطلاق آیه شریفه نیز هست و قاعدتاً رفتار امام مهدی ﷺ نیز با آن مطابقت خواهد داشت. این رفتار، یعنی گرفتن جزیه و کاستن از جایگاه اجتماعی ایشان برای آن است که زمینه‌ای برای کنار گذاشتن رویکرد متعصبانه در این جماعت فراهم شود و راهی برای بازگشت به راه حق برایشان باقی بماند:

عن زرارۃ عن أبي عبد الله ﷺ قال قلت له: ما حد الجزية على أهل الكتاب و هل عليهم في ذلك شيء موظف لا ينبغي أن يجاوزه إلى غيره قال: فقال لا ذاك إلى الإمام يأخذ منهم من كل إنسان ما شاء على قدر ماله، و ما يطبق إنما هم قوم فدوا أنفسهم من أن يستعبدوا أو يقتلوا فالجزية تؤخذ منهم ما يطبقون له أن يأخذهم بها حتى إذا يسلموا فإن الله يقول: «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» و كيف يكون صاغرا و هو لا يكثرث لما يؤخذ منه، لا حتى يجد ذلا لما أخذ منه فيألم لذلك فيسلم (عياشي، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۸۵).

جزیه را نباید نوعی تحقیر مذهبی به شمار آورد؛ بلکه جزیه برای کسانی است که بخوبی از اشتباه بودن موقف خود آگاه هستند و حجت بر آنان تمام شده و فقط بخاطر تعصب و یا اغراض دیگر حاضر به پذیرش اسلام نیستند و در میان مسلمانان زندگی کرده و از حمایت آنان بهره می‌برند و به اصطلاح اهل ذمه هستند. پرداخت هزینه به مسلمانان در حقیقت مشارکت در هزینه‌هایی است که مسلمانان باید برای دفاع از آنان تحمل کنند و بر پایه قرارداد ذمه از آنان گرفته می‌شود. حکمت بیشتر بودن این هزینه نسبت به هزینه‌های مسلمانان در این زمینه در این روایت توضیح داده شده است که احساس متفاوت محسوب شدن و دادن هزینه بیشتر، زمینه‌ای برای رهایی از تعصبات و پذیرش دینی است که پیشتر به حقانیت آن پی برده‌اند.

قسمت چهارم: جاذبه‌های طبیعی حکومت امام

حکومت امام مهدی علیه السلام از جاذبه‌های طبیعی بسیاری برخوردار است. از نگاه بیرونی، او شخصیت معنوی بسیار جذابی دارد و به عدالت و مردم‌دوستی شناخته می‌شود. برای درک بهتر جاذبه امام مهدی علیه السلام می‌توان به آثار حکومت چندماهه امام علی علیه السلام در یمن اشاره داشت. این حکومت کوتاه مدت چنان بر روح و ذهنیت مردم یمن اثر گذاشت که بعدها تمامی قبائل حامی علی علیه السلام یمنی بوده و اکثر سرداران بزرگ از اقوام یمنی به شمار می‌رفتند. این وضعیت در میان عرب عجیب‌تر نیز هست؛ زیرا علی از قبائل عدنانی محسوب شده و یمنی‌های از اقوام قحطانی هستند و حمایت وسیع قحطانیان از فردی عدنانی بسیار غریب است. کارآیی فوق‌العاده حکومت مهدوی و بسط قسط و عدل در کشور او به رضایت گسترده مردم و خوشنمایی بسیار این حکومت خواهد انجامید. حکومتی که افزون بر کارآیی و سلامت از پشتوانه عمیق عقلانی و دینی نیز برخوردار است. در شرایط آزادی انتخاب، مردم به سوی مهدی خواهند رفت. در فضای ارتباطات فوق‌العاده به سرعت این گرایش عمومی رخ خواهد داد. افزون بر این همه، بسیاری از لشکرکشی‌های امام، به جنگ منجر نشده و مردمان بسیاری از کشورها به صرف دعوت و حضور امام به ایشان ملحق می‌گردند. چنین قدرت نرمی. قدرت نرم (Soft Power) اصطلاحی است که توسط ژوزف نای اندیشمند آمریکایی مطرح شد. از نظر او سیاست لیبرال دموکراتیک، اقتصاد بازار آزاد، و ارزش‌های اساسی مانند حقوق بشر اساس قدرت نرم آمریکا را تشکیل می‌داد. تصور او از "قدرت هوشمند Smart Power" یعنی توانایی ترکیب قدرت سخت و نرم در یک استراتژی موفق، با استفاده از این عبارت توسط اعضای دولت کلینتون و دولت اوباما رایج شد (جاذبه‌ای فوق‌تصور دارد؛ خصوصاً که ملحق شدن به این حکومت باری بر دوش مردم نداشته و گشایش‌های بسیاری را موجب خواهد شد. درباره فتح آسان شهرهای روم آمده است:

عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، في قصة المهدي و فتوحاته قال: ثم يسير و من معه من المسلمين؛ لا يَمُوتون على حصن من بلد الزوم إلا قالوا عليه: لا إله إلا الله. فتساقط حيطانه، ثم ينزل من القسطنطينية، فيكبرون تكبيرات، فينشف خليجها، و يسقط سورها، ثم يسير إلى رومية، فإذا نزل عليه كبر المسلمون ثلاث تكبيرات، فتكون كالزملة على نثر (مقدس، ۱۴۲۸ق: ۱۸۸).

و مشابه آن در فتح قسطنطنیه یا استانبول امروز نیز فرموده‌اند:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَعَاذٍ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ قَالَ:.... يَبْعَثُ جُنْدًا

إِلَى الْقُسْطَنِطِينِيَّةِ فَإِذَا بَلَغُوا الْخَلِيجَ كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئاً وَ مَسَّوْا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِمْ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ قَالُوا هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ فَكَيْفَ هُوَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُمْ أَبْوَابَ الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَخُكُمُونَ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۲۰).

چنین حکومتی نیاز به کشورگشایی ندارد. البته دشمنان طبیعی زیادی خواهد داشت؛ دشمنانی که تلاش برای تخریب چهره این حکومت و جلوگیری از همراهی عامه مردم خواهند کرد.

قسمت پنجم: یاری شدن مهدی با رعب

یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده قدرت نرم این است که اجباری نیست و شامل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی نیز هست. حکومت امام مهدی (عج) از قدرت نرم ویژه‌ای برخوردار است؛ قدرتی که دربرگیرنده توان اثرگذاری بر ترجیحات دیگران از طریق جذابیت و جذب است. قدرت نرم امام مهدی (عج) و قدرت سخت حاصل از پیشرفت غیر قابل تصور حکومت او در عرصه علمی و نظامی و سرداران و سربازان جان بر کف او چنان تصویری از او در دل دشمنان و بدخواهان ایجاد می‌کند که در خود کمتر توان رویایی با او را احساس می‌کنند:

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) يَقُولُ لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (ع) لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِأَلْبَانِيَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُرْدَفِينَ وَ الْمُتَنَزِّلِينَ وَ الْكَرُوبِيِّينَ يَكُونُ جَبْرِئِيلُ أَمَامَهُ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ إِسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ وَ الرَّعْبُ يَسِيرُ مَسِيرَةَ شَهْرِ أَمَامَهُ وَ خَلْفَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۴).

همین است که بسیاری از لشکرکشی‌ها بدون جنگ به پیروزی منجر می‌شود و کمتر کسی حاضر به درگیری با او خواهد شد:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) يَقُولُ الْقَائِمُ مِمَّا مَنُصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْلُو لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمَرَ وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) فَيُصَلِّي خَلْفَهُ (ابن بابویه، ۱۳۵۷ش: ج ۱، ۳۳۱؛ ج ۲، ۳۹۴).

سمع عليا يقول: يخرج في اثني عشر ألفاً إن قَلُوا، أو خمسة عشر ألفاً إن كَثُرُوا، يسير الرعب بين يديه لا يلقاه عدو إلا هزمهم بإذن الله (شوشتری ۱۴۰۹ق: ج ۲۹، ۴۶۹).

آوازه مهدی (عج) دشمن‌شکن است و دشمنان در برابر او از درون پر از ترس هستند و پیش از

رسیدن به معرکه، پشت خود را خالی از یاور و همراه می بینند.

قسمت ششم: جنگ های ناگزیر

اما گاهی گریزی از جنگ نیست. فتنه ها همیشه با مذاکره و شیوه های مسالمت جویانه رفع نمی شود. اگر دشمن باور کند که شمشیری در کار نخواهد بود، به هر کار دست خواهد زد. گاهی برای نجات مردم از دست فتنه گران چاره ای جز استفاده از سلاح نیست. باقی ماندن برخی انسان ها به معنای از دست رفتن گروه های بزرگی از مردم است. مروری بر روایات سفیانی و دجال ما را با فتنه گران قسی القلبی آشنا می کند که برای حفظ قدرت خویش به هر جنایتی دست می زنند؛ کسانی که نسل ها و طبیعت را به هلاک و نابودی می کشانند و چاره ای جز پاک کردن هستی از لوث وجودشان نیست.

جنگیدن پاره ای از اقوام با مهدی علیه السلام از دو منظر قابل تحلیل است؛ اول، معنای این سخن این است که سایر اقوام جنگ چندی با مهدی علیه السلام نخواهند داشت و دوم، جنگ برخی اقوام مانند اعراب یا کردها و یا اهل ری به معنای مقاومت گروه هایی از این افراد در برابر مهدی علیه السلام است که با توجه به تفاوت هدف و سبک زندگی در دعوت مهدوی مقاومت برخی گروه ها در برابر آن امری طبیعی است. مقاومت اینان همانند مقاومت قوم فرعون در برابر موسی علیه السلام است که قرآن در وصف آن فرموده است: ﴿جحدوا بها واستيقنتها انفسهم ظلماً و علواً﴾ (نمل: ۱۴) مسلماً تمایل به ظلم و گرایش به داشتن جایگاه برتر نسبت به دیگران سبب می شود تا گروه هایی با وجود یقین به حقانیت اولیاء خدا در برابر ایشان بایستند. البته در روایات مربوط به جنگ های امام سخنی از خونریزی وسیع و گسترده و درگیری های طولانی نیست. تمام مدتی که امام درگیری نظامی دارد نه ماه است که برای جهانگیری زمانی بسیار کوتاه به نظرمی رسد.

اکنون باید مروری بر اشکالات پیش گفته داشت به ارزیابی آن پرداخت. اشکالات از دو منظر اندیشه های امروزی در عرصه ارزش های بنیادین اخلاقی و منظر مبانی و باورهای عام دینی مطرح شده بود. از منظر نخست، به سه ارزش بنیادین اخلاقی اشاره شد: زشتی توسل به زور، حرمت انتخاب مردم نسبت به حاکمیت کشور خویش و حق ملت ها در تعیین سرنوشت خویش. از منظر دوم، منافات حرکت امام مهدی علیه السلام با آزادی انتخاب، با رسیدن به اهداف دین و ناسازگاری دعوت مهدوی با سیره تمامی پیامبران مورد تأکید قرار گرفت و همچنین به وجود الگوی مناسب تر برای رسیدن به قسط و عدل اشاره شد.

اما بررسی دقیق‌تر باورهای مهدوی ما را بر این واقعیت واقف می‌کند که امام در تغییر باورها و در برخورد با ملت‌ها از توسل به زور اجتناب می‌کنند و حتی پس از تکمیل دعوت خویش، الزام به تغییر مذهب نکرده و زندگی اهل ذمه تحت حکومت خویش را می‌پذیرند. همچنین در برخوردها صرفاً در جایی از زور استفاده خواهند کرد که در دفاع از خویش و یا دفاع از ملت‌های مظلوم ضرورت دارد. همچنین قدرت نرم حکومت مهدوی در چنان سطحی قرار دارد که او را بی‌نیاز از تعرض سخت کرده و اصل حق انتخاب ملت‌ها نقض نخواهد شد؛ چراکه ملت‌ها مجذوب کارایی، صداقت و حجت حکومت شده و دولت‌ها در برابر قدرت نرم فوق‌العاده حکومت مهدوی تاب مقاومت نخواهند داشت. با ظهور مهدی علیه السلام حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش از دست نمی‌رود بلکه اتمام حجت الهی، صداقت و نورانیت امام مهدی علیه السلام و همچنین کارایی حکومت او، همگان را مجذوب خود کرده و جنگ‌های امام مهدی علیه السلام به شهادت روایات وارده جنگ با کانون‌های توطئه و سردمداران کفر خواهد بود؛ کسانی که مانعی در برابر ملت‌ها برای استفاده از حق خویش در انتخاب حاکم عادل هستند.

براساس آنچه گفته شد هیچ یک از ارزش‌های عام اخلاقی در حرکت امام مهدی علیه السلام نقض نمی‌شوند؛ چراکه در روایات از توسل به زور برای کشورگشایی سخنی نیست. البته باید در تحلیل روایات به کتاب‌هایی مانند *الفتن* ابن حماد و *منتخب البصائر* با دیده تردید نگریست؛ زیرا مؤلف کتاب نخست دقت چندان در انتخاب مطالب نداشته و مطالب داستانی و غیر روایی در آن بسیار آمده است. روایات ابن حماد از علی علیه السلام و از امام باقر علیه السلام نیز قابل اعتنا نیستند؛ زیرا همگی سندهای بسیار ضعیفی دارند و مشتمل بر مطالب غیرقابل قبولی هستند. مطالب این کتاب توسط سید بن طاووس در کتاب *تشریف‌المنن* وارد شده و بر اعتبار آن کتاب نیز اثر گذاشته است. کتاب *منتخب البصائر* نیز مشتمل بر غرائب و مطالب غیرقابل قبول بوده تا حدی که اعتبار کتاب را نیز زیر سؤال می‌برد. مشکل سندی در روایات مهدوی محدود به این کتاب‌ها نبوده و باید مسامحه پیشینیان در قبول روایات تاریخی را با دقت‌های دوباره در اسناد روایات جبران کرد، حتی اگر این روایات در غیبت نعمانی و *کمال‌الدین* صدوق وارد شده باشد. تردیدی نیست که روایات وارده در باب مهدویت نقشی کلیدی در ترسیم آموزه‌های مهدوی دارند و رکن مهمی را در پژوهش‌های مهدوی تشکیل می‌دهند. اما درست به همین جهت باید در پذیرش یا رد این روایات تسامحی به خرج نداد و قواعد رجال و درایه را فراموش نکرد.

اساس دعوت مهدی علیه السلام بر فراهم کردن امکان انتخاب برای همگان است و در چنین

دعوتی تأکید بر آگاهی بخشی در بالاترین سطح و زدودن موانع فهم و کنار زدن موانع انتخاب آزاد مردم است. حرکت مهدوی متکی بر همان باورها و مبانی است که حرکت رسولان خدا بر آن مبتنی بوده است و تفاوت صرفاً در شیوه اتمام حجت و ارائه بینات خواهد بود. زمینه سازی های روشنگرانه در این حرکت به گونه متفاوتی طراحی شده اند و البته پس از روشنی راه ها و فراهم آمدن امکان انتخاب، امکان دو دستگی و حتی قیام و نبرد خواهد بود. البته تغییر اجباری دین و گرفتن حق انتخاب در کار نبوده و چنین تصویری از حرکت مهدوی باوری نارواست.

نتیجه گیری

جنگ ها و مبارزات امام مهدی علیه السلام حرکتی است مبتنی بر مبانی و باورهای عام دینی که از جهت عقلانی و ارزش های عام اخلاقی نیز کاملاً قابل دفاع و تحلیل است. این حرکت بر همان اخلاقیاتی استوار است که حرکت های اولیاء خدا بر آن مبتنی بوده است. از مسامحه گذشتگان در پذیرش روایات تاریخی نباید با مسامحه عبور کرد؛ چراکه برای انتساب و اسناد مطالب پیرامون جنگ های امام عصر علیه السلام و باور به آن ها به مثابه باورهای دینی راهی جز استفاده از سنت های رجالی، اصولی و فقهی رایج در عرصه فقه احکام نیست.

منابع

۱. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم: مدرسة الإمام المهدی علیه السلام، اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۹ش)، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران: دارالکتب الإسلامية، دوم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری، اول.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، *التشريف بالمنن في التعريف بالفتن*، قم: مؤسسه فرهنگی صاحب الامر علیه السلام، اول.
۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، *المزار الكبير (لأبن المشهدي)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۶. اخوان خرازیان (۱۳۸۶ش)، «تحول حق تعیین سرنوشت در چارچوب ملل متحد»، *مجله حقوقی*، شماره ۳۶.

۷. آیتی، نصرت الله (۱۳۸۴ ش)، *سفینای از ظهور تا افول*، قم: نشر ثانی عشر، اول.
۸. آیتی، نصرت الله (۱۳۸۵ ش)، «یمانی درفش هدایت»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۱.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ ق)، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت: بی نا، اول.
۱۰. حماد، نعیم بن (۱۴۲۳ ق)، *الفتن*، بیروت: دارالکتب العلمیة، دوم.
۱۱. رابرتسون، جفری (۱۳۸۳ ش)، *جنايات عليه بشریت*، زیر نظر: حسین میرمحمد صادقی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، اول.
۱۲. سلیمان، کامل (۱۴۲۷ ق)، *يوم الخلاص في ظل القائم المهدي*، قم: دارالمجتبی، اول.
۱۳. شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹ ق)، *إحقاق الحق وإزهاق الباطل*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، اول.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ ق)، *الغیة*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، سوم.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، *تفسیر*، تهران: المطبعة العلمیة، اول.
۱۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر التمیزی*، قم: دارالکتاب، سوم.
۱۷. کاظمی، مصطفی بن ابراهیم (۱۴۲۸ ق)، *بشارة الإسلام في علامات المهدي*، بیروت: مؤسسه البلاغ، اول.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الكافي*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چهارم.
۱۹. کورانی، علی (۱۴۳۰ ق)، *المعجم الموضوعي لإحاديث الإمام المهدي*، بیروت: دارالمرتضی، اول.
۲۰. کورانی، علی (۱۴۳۰ ق)، *عصر الظهور*، قم: دارالهدی، دوازدهم.
۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (بی تا)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بی جا: دار احیاء التراث العربی، اول.
۲۲. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ ق)، *عقد الدرر في أخبار المنتظر*، قم: مسجد مقدس جمکران، سوم.
۲۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ق)، *الغیة*، تهران: مکتبه الصدوق، اول.
۲۴. ورله، گرهارد (بی تا)، «جنايات عليه بشریت در حقوق بین الملل معاصر»، *مجله حقوقی بین المللی*، سال ۲۵، شماره ۳۹.